

The Influence of the "Sermon of Creation" on the Holy Quran Based on Gérard Genette's Intertextuality Approach

Nematollah Firoozi¹

Zahra Salari²

¹. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Imam Reza International University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)

firoozi@imamreza.ac.ir / <https://orcid.org/0000-0001-6692-2479>

¹. Master's Student in Nahj al-Balagha Studies, Imam Reza International University, Mashhad, Iran .

z.salari65@gmail.com / <https://orcid.org/0009-0003-5549-209X>

DOI: 10.22034/iscw.2025.2069110.1183

*Original
Research*

Received:
2025-08-16

Accepted:
2025-12-14

Keywords:
Quran,
Imam Ali (AS),
Nahj al-
Balagha,
Sermon of
Creation,
Intertextuality,
Gérard Genette

Abstract: The "Sermon of Creation" (Khutbat al-Ibda'), as one of the most significant sermons of Imam Ali (AS) in *Nahj al-Balagha*, has consistently attracted scholarly attention. This research examines the influence of the Holy Quran on the "Sermon of Creation" using an intertextuality approach. While most prior studies have focused on its aesthetic and linguistic aspects, they have not systematically analyzed its situational context and profound connection with the Quran. Aiming to explain the nature and extent of this influence, this study seeks to elucidate the dimensions of intertextuality at play. The research method is explanatory-analytical, utilizing Gérard Genette's theory of intertextuality to investigate the intertextual relationships between the "Sermon of Creation" (the hypertext) and the Holy Quran (the hypotext). Data are analyzed at the levels of "lexical intertextuality" and "content-structural intertextuality." The findings reveal that, on a lexical level, segments of the sermon are direct reflections of Quranic verses. Structurally, some passages are adopted without alteration, while others are presented with transformations. Furthermore, content intertextuality is particularly evident in themes of monotheism and divine descriptions. This intertextuality holds a special significance, as the spirit and content of the Quran are manifested throughout the sermon. The results emphasize the inseparable connection between *Nahj al-Balagha* and the Holy Quran, demonstrating that the "Sermon of Creation," through its coherent and artistic expression, pursues the same guiding objectives as the Divine Book. This study also introduces intertextuality as an effective methodological tool for analyzing the relationships between religious texts.

اثربرداری «خطبه آفرینش» از قرآن کریم مبتنی بر رویکرد بینامتنیت ژرار ژنت

زهرا سالاری^۲

نعمت الله فیروزی^۱

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)، مشهد مقدس، ایران (نویسنده

مسئول). firoozi@imamreza.ac.ir, <https://orcid.org/0000-0001-6692-2479>.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم و معارف نهج البلاغه، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)، مشهد مقدس، ایران.

z.salari65@gmail.com/<https://orcid.org/0009-0003-5549-209X/print>

DOI: 10.22034/iscw.2025.2069110.1183

چکیده: خطبه آفرینش به عنوان یکی از مهم ترین خطبه های امام علی (ع)

در نهج البلاغه، همواره مورد توجه محققان بوده است. این پژوهش به بررسی اثربرداری خطبه آفرینش از قرآن کریم با رویکرد بینامتنیت می پردازد. اغلب مطالعات پیشین بر جنبه های زیبایی شناختی و زبانی آن متمرکز شده اند، بدون آنکه بافت موقعیتی و ارتباط عمیق آن با قرآن کریم را به طور نظام مند تحلیل کنند. این پژوهش باهدف تبیین چگونگی و میزان تأثیرپذیری خطبه آفرینش، به دنبال ارائه ابعاد بینامتنیت است. روش تحقیق، تبیینی-تحلیلی است که با استفاده از نظریه بینامتنیت ژرار ژنت، به بررسی روابط بینامتنی خطبه آفرینش (متن موجود) و قرآن کریم (متن پنهان) می پردازد. داده ها در سطح «بینامتنیت واژگانی» و «بینامتنیت محتوایی و ساختاری» تحلیل شده اند. یافته های پژوهش نشان می دهد که خطبه آفرینش در سطح واژگانی، بازتاب مستقیم آیات قرآنی هستند. در سطح ساختاری، برخی فرازها بدون تغییر اقتباس شده اند، در حالی که برخی دیگر با دگرگونی هایی ارائه شده است. از سوی دیگر، بینامتنیت محتوایی به ویژه در مضامین توحیدی و توصیفات الهی مشهود است. این بینامتنیت جایگاهی ویژه دارد زیرا روح و محتوای قرآن کریم در سراسر خطبه تجلی یافته است. نتایج پژوهش بر ارتباط ناگسستنی نهج البلاغه با قرآن کریم تأکید کرده و نشان می دهد که خطبه آفرینش با بیانی منسجم و هنرمندانه، همان اهداف هدایتی کتاب الهی را دنبال می کند. این مطالعه همچنین روش بینامتنیت را به عنوان ابزاری کارآمد برای تحلیل روابط متون دینی معرفی می کند.

صص

۲۶۴-۲۳۴

دریافت:

۱۴۰۴-۰۵-۳۰

پذیرش:

۱۴۰۴-۰۹-۲۳

کلیدواژه ها:

قرآن،
 امام علی (ع)،
 نهج البلاغه،
 خطبه آفرینش،
 بینامتنیت،
 ژرار ژنت.

۱. بیان مسئله

بینامتنیت^۱ از جمله مفاهیم نوظهور در حوزه مطالعات ادبی محسوب می‌شود که به تحلیل روابط متقابل میان متون مختلف می‌پردازد. در این میان، ژرار ژنت^۲ از برجسته‌ترین چهره‌های معاصر به شمار می‌رود که با ارائه طبقه‌بندی دقیق از انواع روابط بینامتنی و تحلیل سازوکارهای آن، نقش مهمی در توسعه این نظریه ایفا کرده است. روش بینامتنی، روابط میان متون با نوعی تأثیرپذیری، دگرگونی و تحول است. در میان متون دینی، پیوند میان نهج‌البلاغه و قرآن کریم همواره مورد توجه شارحان نهج‌البلاغه بوده است. به‌کارگیری روش بینامتنیت یا التناس^۳، معیاری روش‌مند برای تحلیل این ارتباط فراهم می‌کند. در این پژوهش، قرآن کریم به‌عنوان «متن پنهان» و خطبه آفرینش به‌عنوان «متن موجود» در نظر گرفته شده است. هدف اصلی، تبیین پیوند عمیق میان «قرآن ناطق» (امام علی (ع)) و «قرآن صامت» (متن قرآن) در قالب ابعاد اثرپذیری است. امام علی (ع) در مواضع مختلف، با بهره‌گیری از آیات قرآن - صریح یا ضمنی - به تفسیر و تبیین مفاهیم کتاب الهی پرداخته‌اند. گاه بخشی از یک آیه را نقل و با جایگزینی واژگان، معنای آن را گسترش داده‌اند و گاه با افزودن توضیحات تکمیلی، مقصود آیات را روشن ساخته‌اند. در پژوهش حاضر به این پرسش پاسخ داده می‌شود که ابعاد تأثیرپذیری خطبه آفرینش نهج‌البلاغه از قرآن کریم تا چه میزانی و در چه قالب‌هایی بوده است؟

این مطالعه از آن جهت حائز اهمیت است که خطبه مذکور به مثابه بیانیه‌ای توحیدی و انسان‌شناختی، دارای ابعاد کلامی، فلسفی و علمی متعدد است که در بستر تاریخ اندیشه اسلامی همواره محل بحث و مناظره بوده است و می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- **الهیات آفرینش:** تبیین مراحل خلقت جهان، آسمان‌ها، زمین و انسان از مباحث پیچیده مفسران به شمار می‌آید.

۱. Intertextuality؛ بینامتنی نظریه‌ای است که سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۷ در ادبیات غرب و از سوی ژولیا کریستوا زبانشناس بلغاری

بوجود آمد.

۲. Gérard Genette؛ (۲۰۱۸-۱۹۳۰)، نظریه پرداز ادبی و نشانه‌شناس فرانسوی.

۳. تداخل متون ادبی با متون دیگر.

- انسان به مثابه موجودی چندبعدی: توصیف انسان به عنوان ترکیب اعداد و نیز ایجاد پرسش های مرتبط با جبر و اختیار، فطرت و تربیت، و نقش عقل در تشخیص حق از باطل از دیگر موضوعات مهم است.

- نقش فرشتگان در نظام هستی: طبقه بندی فرشتگان، وظایف آنها و نیز جایگاه این موجودات در نظام خلقت و نوع ارتباط با انسان ها از جمله مباحث چالشی است.

- مسئله هبوط و حیات دنیوی: روایت هبوط آدم (ع)، زمینه مناقشات تفسیری و کلامی متعددی را فراهم کرده است.

- نسبت عقل و وحی در تبیین نبوت: موضوع فلسفه بعثت انبیاء و خاتمیت پیامبر اسلام (ص)، از دیگر مباحث کلیدی مرتبط با کلام اسلامی و فلسفه دین است.

بر این اساس، هدف پژوهش، علاوه بر استخراج مشابهت های لفظی یا مضمونی، کشف منطقی حاکم بر بازخوانی قرآن در کلام امام علی (ع) است. این مطالعه در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه خطبه با بهره گیری از ساختارها و مضامین قرآنی، به بازسازی بیانی منسجم و هنرمندانه از جهان بینی توحیدی می پردازد و در این مسیر، چه دگردیسی ها یا توسعه هایی در مفاهیم قرآنی ایجاد می کند.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی به بررسی ارتباط قرآن کریم و نهج البلاغه پرداخته اند که از جمله می توان به کتاب «رابطه نهج البلاغه با قرآن» اثر سید جواد مصطفوی (۱۳۵۹) اشاره کرد که به صورت کلی به بررسی تأثیرپذیری نهج البلاغه از قرآن پرداخته است. همچنین، پژوهش «اقتباس های قرآنی در نهج البلاغه» اثر عباس زاده (۱۳۸۹) با تمرکز بر جنبه های لفظی و معنوی اقتباسات، انجام پذیرفته است. علاوه بر این، پژوهشی دیگر با عنوان «تلمیحات قرآنی در خطبه اول نهج البلاغه» طباطبایی (۱۳۹۴)، ارتباط ادبی و بلاغی برخی فرازهای خطبه با آیات قرآن بررسی شده اما تحلیل نظام مند بینامتنی ارائه نشده است. از دیگر پژوهش ها می توان به مقاله «روابط بینامتنی حکمت های نهج البلاغه با آیات قرآن» جیگاره و صادقی (۱۳۹۶) اشاره کرد که بر وجوه مشترک حکمت های نهج البلاغه و قرآن متمرکز شده است.

مسبوق (۱۳۹۲) در مقاله «روابط بینابینی قرآن با خطبه‌های نهج‌البلاغه» به بررسی کلی روابط موجود پرداخته و بر ضرورت کشف منطق حاکم بر تعامل این دو متن تأکید نموده است. در مطالعه نفیسی (۱۳۹۷) با عنوان «کارکرد تفسیری بینامتنیت نهج‌البلاغه با قرآن»، نمونه‌هایی از تعامل تفسیری ارائه گردیده است. همچنین علایی و غلامی‌نژاد (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی پدیدار اخلاقی توبه و استغفار در نهج‌البلاغه و چهل حدیث امام خمینی»، دامنه کاربست رویکرد بینامتنی و ابعاد گسترش و بازتولید آن را در حوزه مفاهیم اخلاقی مورد توجه قرار داده است.

در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، مطالعه از چند جهت حائز اهمیت است: اول؛ تمرکز بر خطبه آفرینش: برخلاف مطالعاتی که به صورت کلی پرداخته‌اند، این پژوهش به صورت ویژه خطبه آفرینش را به عنوان متنی کلیدی در نهج‌البلاغه بررسی می‌کند. دوم؛ رویکرد نظام‌مند بینامتنی: روابط بینامتنی را در سطوح مختلف تحلیل می‌کند، در حالی که اغلب پژوهش‌های پیشین فاقد چنین چارچوب نظری بوده‌اند.

۳. چارچوب نظری

از دیدگاه ژرار ژنت، بینامتنیت به عنوان یکی از اقسام پنج‌گانه «ترامتنیت» تعریف می‌شود که به «رابطه هم‌حضور دو یا چند متن» اشاره دارد؛ به این معنا که متنی به صورت بالفعل در متن دیگر حاضر شود (ژنت، ۱۹۹۷، ص ۲-۱) یعنی حالتی که در آن بخشی از یک متن به متن دیگری انتقال می‌یابد، اما هر دو متن استقلال و حضور خود را حفظ می‌کنند (نامور مطلق، ۱۳۹۰، ص ۳۱).

ژنت بینامتنیت را به دو نوع آشکار (لفظی) و نهان (غیرلفظی) تقسیم می‌کند. نقل قول، چه با ذکر منبع و چه بدون آن، صریح‌ترین و تحت‌اللفظی‌ترین شکل بینامتنیت آشکار است. در مقابل، «تلمیح» به عنوان بینامتنیت نهان شناخته می‌شود (نفیسی، ۱۳۹۷، ص ۹۸). در همین راستا، ساختار کلی پژوهش به شیوه تحلیلی و تطبیقی در دودسته کلی سامان یافته است:

۱. بینامتنیت واژگانی ۲. بینامتنیت ساختاری و مضمونی. روش کار به این ترتیب است که در ابتدا عبارت نهج البلاغه ذکر شده، سپس آیه مرتبط ارائه می‌گردد و در نهایت، ارتباط بینامتنی دو متن مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۴. ابعاد و محتوای خطبه آفرینش

خطبه آفرینش به عنوان اولین خطبه نهج البلاغه، از غنی‌ترین متون به شمار می‌رود که جایگاه آن، نشان‌دهنده ذوق سلیم و انتخاب هوشمندانه «سیدرضی» است. این خطبه با ستایش پروردگار و بیان صفات جمال و کمال الهی آغاز می‌شود، سپس به موضوع آفرینش هستی، آسمان‌ها، زمین، فرشتگان و داستان آفرینش حضرت آدم(ع) می‌پردازد. در ادامه، مسئله سجده فرشتگان، سرپیچی ابلیس و هبوط را مورد بررسی قرار می‌دهد (مکارم، ۱۳۸۸، ص ۷۷). همچنین در این خطبه به فلسفه بعثت پیامبران و جایگاه رفیع پیامبر اکرم(ص)، عظمت قرآن کریم و اهمیت سنت نبوی و برخی احکام و فروع دین از جمله فریضه حج اشاره شده است. این خطبه همانند سوره «فاتحة الكتاب» است که فهرستی اجمالی از مجموعه محتواهای عمیق کتاب را ارائه می‌کند.

۵. بررسی ساختار بینامتنیت

بررسی بینامتنیت خطبه آفرینش و قرآن کریم، در قالب هشت بخش موضوعی انجام می‌پذیرد:

۱-۵. بخش حمد و ثنای الهی و معرفت او

متن خطبه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَ لَا يُحْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُونَ...»
ابتدا به بررسی بینامتنیت واژگانی به عنوان اولین سطح ارتباط متون می‌پردازیم.

الف) بینامتنیت واژگانی

متن موجود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ» متن پنهان: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (فاتحه: ۲)

امام علی(ع) خطبه را با حمد و ستایش الهی آغاز می‌کنند و در همان ابتدا به ناتوانی در ادای حق آن اعتراف می‌فرمایند. این بیان از آن روست که صفات کمال و جمال الهی بی‌نهایت و فراتر از هر حدی است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۱۳۵).

آنچه انسان و فرشتگان از حمد و ثنای الهی بیان می‌کنند، تنها به اندازه معرفت و شناخت محدودشان از آن ذات بی‌همتاست، نه به اندازه عظمت بی‌پایان او.

متن موجود: «لَا يُحْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُونَ» متن پنهان: «وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» (نحل: ۱۸)

امام علی (ع) عبارت قرآنی را با تغییر فعل (لَا يُحْصِي) و با افزودن فاعل (الْعَادُونَ) به کار برده است و بر ناتوانی مطلق انسان در شمارش نعمت‌ها تأکید می‌کند (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۸۶). این ناتوانی از آنجا ناشی می‌شود که نعمت‌های خداوند از محدوده عدد و شماره بیرون است و انسان نمی‌تواند نعمت‌هایی را که خداوند به او ارزانی داشته بشمارد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۸۷).

متن موجود: «فَطَرَ الْخَلَائِقَ بِقُدْرَتِهِ» متن پنهان: «فَاطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (انعام: ۱۴)

واژه «فَطَرَ» که به معنای آفرینش ابتدایی و بی‌سابقه است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۴۴۳)، واژه‌ای کلیدی در قرآن برای توصیف خلقت الهی به شمار می‌آید. هرگاه این کلمه به خدای تعالی نسبت داده شده، به معنای ایجاد است البته گویا خدای تعالی عالم عدم را شکافته و از شکم آن موجودات را بیرون کشیده است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۳۴).

متن موجود: «نَشَرَ الرِّيَّاحَ بِرَحْمَتِهِ» متن پنهان: «يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ» (اعراف: ۵۷)

فعل «نَشَرَ» و «يُرْسِلُ»، هر دو گویای نقش محوری بادها در تدبیر الهی برای نظام حیات هستند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۹۱) که نشان‌دهنده پیوند عمیق میان عالم ملکوت و طبیعت است (خویی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۳۱۲).

متن موجود: «لَا يُدْرِكُهُ بَعْدَ الْهَمَمِ وَ لَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطَنِ» متن پنهان: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ» (انعام: ۱۰۳)؛ «وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا» (طه: ۱۱۰)

امام علی (ع) مضمون «عدم ادراک» و «عدم احاطه» بر ذات خدا را که در قرآن برای «ابصار» و «علم» آمده، به «همت» و «فطانت» تعمیم داده و بر فراتر بودن خداوند از ادراک بشری تأکید می‌ورزد. برخی شارحان، استفاده امام از واژه

«غَوْص» (ژرف کاوی) را برای «فِطْن» (ذهن‌های تیزرس)، یک استعارهٔ بدیع می‌دانند که عوالم معرفت و صفات بی‌نهایت الهی، به دریایی بیکران تشبیه شده است که هیچ غواصی به قعر آن راه نمی‌یابد (ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۱۴؛ مکارم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۷۶)

متن موجود: «بَصِيرٌ إِذْ لَا مَنْظُورَ إِلَيْهِ مِنْ خَلْقِهِ» **متن پنهان:** «وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ» (بقره: ۹۶)

خداوند متعال، در حالی «بیننده» است که هیچ مخلوقی برای نگریسته شدن توسط او وجود ندارد و به روشنی دلالت بر نفی صفات مادی و حسی از خداوند دارد (ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۲۹؛ خویی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۳۴۷) لذا برآمده از علم بی‌پایان و ازلی اوست، نه به معنای بینایی متعارف (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۰۰).

ب) بینامتنیت ساختاری و محتوایی

خطبه آفرینش، از نظر ساختار و مفاهیم، شباهت‌های معناداری با رویکرد قرآن کریم در معرفی خداوند و جهان دارد:

آغاز با حمد و ستایش و شکر الهی: همانند بسیاری از سوره‌ها که با حمد و ثنای الهی آغاز می‌شوند، این خطبه نیز با «الحمد لله» شروع می‌شود که نشان‌دهنده یک الگوی مشترک در افتتاح کلام معنوی است. این آغاز، نوعی زمینه‌چینی برای ارائه معارف الهی و توحیدی عمیق‌تر است و مخاطب را از حالت انفعالی به حالت آمادگی برای دریافت حقایق رهنمون می‌کند.

معرفی صفات سلبی و ثبوتی الهی: خطبه ابتدا به صفات سلبی (مانند عدم ادراک مخلوق، عدم محدودیت زمانی و مکانی برای خداوند) و سپس به صفات ثبوتی (مانند قدرت، رحمت، بصیرت) می‌پردازد. این روش، یک راهکار بلاغی و کلامی برای تبیین توحید و تنزیه خداوند است که در قرآن نیز مشاهده می‌شود (شوری: ۱۱؛ حدید: ۳)

سیر از توحید نظری به توحید افعالی: خطبه ابتدا به شناخت خدا و کمال توحید در نفی صفات زائد می‌پردازد (توحید نظری) و سپس به افعال الهی در خلقت (فَطَرَ الْخَلَائِقَ...) اشاره می‌کند که همان توحید افعالی است. این سیر، روشی متداول در قرآن برای استدلال بر یگانگی خداوند از طریق افعال او در هستی است (مانند آیات اول سوره فاطر و نحل).

توالی منطقی در تبیین توحید: ترتیب «مَعْرِفَتُهُ، التَّصْدِيقُ بِهِ، تَوْحِيدُهُ، الإِخْلَاصُ لَهُ وَ نَفْيِ الصِّفَاتِ عَنْهُ» یک توالی منطقی و گام‌به‌گام در تبیین مراتب توحید است که ریشه قرآنی دارد. سوره اخلاص با یک نظم منطقی، از یگانگی ذات شروع کرده و به نفی هرگونه همتا و شبیه می‌رسد (اخلاص: ۱-۴).

تصویرسازی از قدرت آفرینش: خطبه با توصیف «وَتَدَّ بِالضُّخُورِ مِيدَانَ أَرْضِهِ...»، همانند آیه «وَالْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي» (نحل: ۱۵)، تصویری زنده و قدرتمند از آفرینش الهی ارائه می‌دهد. تثبیت زمین توسط کوه‌ها، از حقایق علمی و قرآنی است که کوه‌ها را میخ‌های زمین می‌خواند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۶۲) لذا نشان‌دهنده نقش ویژه در تثبیت پوسته زمین، جلوگیری از لرزش‌های شدید، تأمین منابع آبی و ایجاد راه‌های طبیعی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۲۱۶). هدف این نوع توصیفات، ایجاد خشوع و تفکر در مخاطب است: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران: ۱۹۰).

| بینامتنیت در ساحت خدانشناسی | | | |
|-----------------------------|--|--|--|
| ردی ف | خطبه آفرینش | قرآن کریم | تحلیل بینامتنی |
| ۱ | «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ» | «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» | تعلیم الگوی آغاز کلام با حمد الهی |
| ۲ | «لَا يُخْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُونَ» | «وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» | اثبات عدم امکان شمارش نعمت‌های الهی |
| ۳ | «لَا يُدْرِكُهُ بَعْدَ الْهَمِّمْ وَلَا يَنَالُهُ عَوْضُ الْفُطْنِ» | «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ» «وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا» | تعمیم مفهوم عدم ادراک از «چشم‌ها» و «علم» به «همت» و «فطانت» |
| ۴ | توالی «مَعْرِفَتُهُ، التَّصْدِيقُ بِهِ، تَوْحِيدُهُ، الإِخْلَاصُ لَهُ وَ نَفْيِ الصِّفَاتِ عَنْهُ» | سوره اخلاص «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» | استفاده از ساختار منطقی قرآن در تبیین توحید نظری (نفی تشبیه) و ثبوت صفات |
| ۵ | «بَصِيرٌ إِنْ لَا مَنْطُورٌ إِلَيْهِ مِنْ خَلْقِهِ» | «وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ» | استعمال واژه «بصیر» و تبیین آن برای نفی صفات مادی از خداوند متعال |

۲-۵. بخش آفرینش جهان

متن خطبه: «أَنْشَأَ الْخَلْقَ إِِنْشَاءً وَ اِبْتِدَاءَهُ اِبْتِدَاءً بِلَا رَوِيَّةٍ اَجَالَهَا...عَالِمًا بِهَا قَبْلَ اِبْتِدَائِهَا...»

الف) بینامتنیت واژگانی

متن موجود: «أَنْشَأَ الْخَلْقَ إِِنْشَاءً وَ اِبْتِدَاءَهُ اِبْتِدَاءً»؛ متن پنهان: «يُبْدِي اللَّهُ الْخَلْقَ» (عنکبوت: ۱۹).

فعل «أنشأ» و «ابتداء» در خطبه، هم‌معنا با «يُبْدِي» در قرآن است و بر آغاز آفرینش از عدم دلالت دارد.

متن موجود: «ثُمَّ أَنْشَأَ سُبْحَانَهُ فَتَقَّ الْأَجْوَاءَ وَ شَقَّ الْأَرْجَاءَ»؛ متن پنهان: «كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا» (انبیاء: ۳۰).

فعل «شَقَّ» و کلمه «فَتَقَّ» از آیه «رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا» الهام گرفته و به شکافته شدن و جدایی اجزای اولیه آفرینش دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۴، ص ۲۷۷؛ خویی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۳۷۲). برخی معتقدند «ثُمَّ» می‌تواند بیانگر ترتیب در بیان امام (ع) باشد، نه ترتیب در خلقت یا آن که معنایی هم‌پایه با حرف «واو» دارد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۸۴).

متن موجود: «فَسَوَّىٰ مِنْهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ»؛ متن پنهان: «فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ» (فصلت: ۱۲).

عین عبارت قرآنی «سَبْعَ سَمَوَاتٍ» در خطبه به کار رفته است که نشان می‌دهد امام (ع) به صراحت به متن قرآن استناد می‌کند.

متن موجود: «بِغَيْرِ عَمَدٍ يَدْعُمُهَا»؛ متن پنهان: «رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (رعد: ۲).

دیدگاه غالب مفسران از جمله ابن عباس و طبرسی (۱۴۰۸، ج ۶، ص ۴۲۰) بر این است که آسمان‌ها بدون ستون مرئی برپا شده‌اند، هرچند برخی مانند فخر رازی (۱۴۲۰، ج ۱۸، ص ۵۲۵) قائل به وجود ستون‌های نامرئی (قدرت الهی) هستند (خویی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۳۷۸).

متن موجود: «زَيِّنَهَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ وَ أَجْرَى فِيهَا سِرَاجاً مُسْتَطِيراً وَ قَمَراً مُنِيراً»؛
متن پنهان: «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ» (ملک: ۵)؛ «وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا» (نبأ: ۱۳) و «قَمَراً مُنِيراً» (فرقان: ۶۱)

تزیین آسمان از توصیفات قرآنی است. بنا به نظر مفسران، قرآن با عباراتی مانند «زینة الكواكب»، «سراج» و «قمر منیر» به طور مشخص به تزیین آسمان با ستارگان و تمایز نور ذاتی خورشید از نور اکتسابی ماه اشاره کرده است (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۵۰۴؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۲۷۶). این توصیفات هم جنبه‌های زیبایی‌شناختی و هم علمی دارد.

متن موجود: «حَمَلَهُ عَلَىٰ مَتْنِ الرِّيحِ»؛ **متن پنهان:** «وَأَوْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ» (حجر: ۲۲)

در قرآن، بادها «لواقح» (بارورکننده) هستند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۱۴۵). این نقش در خطبه، به صورت فعال‌تر و با جزئیات بیشتری (مانند به هم زدن آبها) توصیف شده است. (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۳۴)

متن موجود: «سَقْفًا مَحْفُوظًا»؛ **متن پنهان:** «وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا» (انبیا: ۳۲)

امام (ع) بر این نکته قرآنی تأکید می‌کنند که آسمان، حفاظی برای ساکنان زمین است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۶۶؛ جعفری، ۱۳۹۸، ج ۱۰، ص ۸۲) علامه مجلسی با تبیین روایات اهل بیت (ع)، آسمان اعلی را به دلیل مصونیت دائمی و فرازمانی، شایسته‌تر برای وصف «محفوظ» می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۴، ص ۱۸۶).

متن موجود: «فِي فَلَكٍ دَائِرٍ وَ سَفْفٍ سَائِرٍ»؛ **متن پنهان:** «كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» (انبیا: ۳۳)

امام (ع) مفهوم «فلک» و حرکت اجرام آسمانی که در قرآن به «یسبحون» (شناوری) تعبیر شده را با واژگانی مانند «دائر» و «سائر» تفسیر می‌کنند.

ب) بینامتنیت ساختاری و محتوایی

سیر از خلقت اولیه به جزئیات: خطبه همانند قرآن کریم از آفرینش آغازین بدون ماده و ابزار شروع می‌کند، سپس به نقش آب و باد در شکل‌گیری آسمان‌ها و جزئیات زیباسازی آسمان با ستارگان و اجرام فلکی می‌رسد. همچنین از ساختار توالی زمانی استفاده می‌کند که یادآور سبک قصص قرآنی در توصیف آفرینش است (مانند سوره‌های نازعات و فصلت). امام (ع) مراحل آفرینش (آغاز، فتق اجواء، ایجاد آسمان‌ها، تزیین آنها) را به ترتیب و با حرف عطف «ثُمَّ» بیان می‌کند که بر نظم و تدبیر الهی تأکید دارد. (أَنْشَأَ... ثُمَّ أَنْشَأَ...)

تأکید بر اراده و قدرت مطلق الهی: خطبه بر این نکته تأکید دارد که در هر مرحله از آفرینش، خداوند متعال بدون هیچ کمک یا نیازی، با اراده خود دست به خلقت زده است. عبارت «أَنْشَأَ الْخَلْقَ إِنْشَاءً وَ ابْتَدَأَهُ ابْتِدَاءً بِلَا رَوِيَّةٍ أَجَالَهَا...» در حقیقت توضیح و بسط معنای «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» است (بقره: ۱۱۷). توصیف آب به «فَأَجْرَى فِيهَا مَاءً مُتَلَاطِمًا» (برخوردکننده) و «زَحَّازُهُ» (خروشان)، تصویر قرآنی «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ» (درآمیختن دو دریا) را در ذهن تداعی می‌کند که نشان از عظمت و قدرت الهی دارد (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۲۳). از سویی برخی شارحان، به نظریات کیهان‌شناختی اشاره دارند از جمله نظریه «تالس ملطی»^۱ که آب را اصل همه عناصر می‌دانست (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۸۵).

امام علی (ع) در سرتاسر این بخش، سه رکن اصلی آفرینش در قرآن را با هم تلفیق می‌کند: ۱. قدرت (بِقُدْرَتِهِ) ۲. علم (عَالِمًا بِهَا) ۳. اراده (إِنْشَاءً). این تلفیق، شناخت جامع‌تری از خدای قرآن ارائه می‌دهد که هم قادر است و هم عالم، و هم با اراده می‌آفریند. آیه شریفه «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (نحل: ۴۰) به این موضوع دلالت دارد.

۱. بر اساس نظریه این فیلسوف پیشاسقراطی در سده ششم پیش از میلاد، آب به عنوان «آرَخه» (اصل نخستین) جهان شناخته می‌شود. معتقد بود همه چیز از آب پدید آمده و حتی زمین نیز بر آب شناور است. این دیدگاه، یکی از نخستین تلاش‌های بشر برای تبیین منشأ جهان بر پایه یک ماده اولیه واحد به شمار می‌رود.

| بینامتنیت در ساحت هستی شناسی | | | |
|------------------------------|------------------------------------|--|--------------------------------------|
| ردیف | خطبه آفرینش | قرآن کریم | تحلیل بینامتنی |
| ۱ | «اِبْتَدَاءُ اِبْتِداءِ» | «يُبْدِئُ اللهُ الخَلْقَ» | آفرینش آغازین از عدم |
| ۲ | «فَتَقَّ الأَجْوَاءَ» | «كَانَتْنا رَتْقا فَمَتَّقناهُما» | شکافتن و جدایی اجزای هستی |
| ۳ | «فَسَوَّى مِنْهُ سَبْعَ سَمَواتِ» | «فَقَضاهُنَّ سَبْعَ سَمَواتِ» | آفرینش آسمان‌های هفت گانه |
| ۴ | «بَعْبِرِ عَمَدٍ يَدْعُمُها» | «بَعْبِرِ عَمَدٍ تَرَوْنُها» | برپایی آسمان‌ها بدون ستون |
| ۵ | «زَيَّنَّها بِرِزْمَةِ الكَواكِبِ» | «زَيَّنَّا السَّماءَ الدُّنْيا بِمِصابيحِ» | تزئین آسمان با ستارگان |
| ۶ | «فِي فَلَكٍ دائِرِ» | «فِي فَلَكٍ يَسْبِحُونَ» | حرکت اجرام در فلک |
| ۷ | «حَمَلَهُ عَلَي مَثَنِ الرِّيحِ» | «وَأَرسَلْنا الرِّياحَ لَواقِحِ» | نقش بادهای باروری |
| ۸ | «مُسَبِّحُونَ لا يَسْأَمُونَ» | «يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَ النَّهارَ» | تأکید بر تسبیح و عبادت دائمی فرشتگان |

۳-۵. بخش آفرینش فرشتگان

متن خطبه: «ثُمَّ فَتَقَّ ما بَيْنَ السَّمَواتِ العُلَا فَمَلَأَهُنَّ أَطَواراً مِنْ مَلائِكَتِهِنَّ...»

الف) بینامتنیت واژگانی

متن موجود: «سُجودٌ لا يَرْكَعُونَ... صافُونَ لا يَتَزايِلُونَ وَ مُسَبِّحُونَ لا يَسْأَمُونَ...»

متن پنهان: «لا يَسْتَحْسِرُونَ عَن عِبادَتِهِنَّ وَ لا يَسْتَحْسِرُونَ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَ النَّهارَ لا يَفْتَرُونَ» (انبيا: ۲۰-۱۹)

عبارات «لا يستحسرون» و «لا يفترون»، تسبیح و عبادت دائمی و خستگی ناپذیر فرشتگان را توصیف می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۴، ص ۲۶۴) حالت «صافون» نیز اشاره به همان نظم و عبادت دسته‌جمعی فرشتگان دارد (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۵۴) که در قرآن به سجده و تسبیح آنان اشاره شده است (خویی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۹) لذا این توصیف، بسط مفهومی آیه شریفه است.

متن موجود: «الْحَفْظَةُ لِعِبَادِهِ» متن پنهان: «إِنَّ عَلَیْكُمْ لِحَافِظِينَ» (انفطار: ۱۰)

عبارت «الْحَفْظَةُ لِعِبَادِهِ» به فرشتگانی اشاره دارد که مأمور محافظت از بندگان در برابر مصایب و خطرات هستند، نه فقط ثبت اعمال (خویی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۲۶)

بنابراین، نقش محوری در حراست از بندگان در مسیر تقدیر الهی ایفا می‌نمایند (ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۶۳).

ب) بینامتنیت ساختاری و محتوایی

دسته‌بندی انواع فرشتگان (نقش‌ها و مراتب در نظام هستی): امام (ع) با استفاده از ساختار تکرارشونده «مِنْهُمْ» (مِنْهُمْ سُّجُودٌ... مِنْهُمْ أَمْنَاءٌ... مِنْهُمْ الْحَفَظَةُ... وَمِنْهُمْ الثَّابِتَةُ)، یک طبقه‌بندی نظام‌مند از فرشتگان ارائه می‌دهد (سجده‌کنندگان، رکوع‌کنندگان، حافظان، حاملان وحی و...) که با شیوه قرآنی در معرفی این موجودات مقدس همخوانی دارد. قرآن کریم به فرشتگانی چون «جبرئیل، امین وحی» (بقره: ۹۷)، «میکائیل، مسئول رزق» (بقره: ۹۸)، «عزرائیل، مسئول قبض روح» (سجده: ۱۱)، «اسرافیل، مسئول صور» و همچنین فرشتگان نگهبان (انعام: ۶۱) و نویسندگان اعمال (ق: ۱۸-۱۷) اشاره دارد که هر کدام وظایف خاصی دارند. به عنوان نمونه، هر دو متن «أَمْنَاءٌ عَلٰی وَحْيِهِ» و «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلٰی قَلْبِكَ» (شعراء: ۱۹۳) به نقش حاملان وحی اشاره می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۵، ص ۳۱۶).

تأکید بر عبودیت و اطاعت محض: ساختار توصیف فرشتگان در خطبه، بر عبادت دائمی و بی‌نقص آنها استوار است. این تأکید، در قرآن نیز به‌عنوان یک ویژگی اصلی مطرح است: «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ» (تحریم: ۶). عبارت «مُتَلَفَعُونَ تَحْتَهُ بِأَجْنِحَتِهِمْ» همانند آیه «الَّذِي يَحْمِلُ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلُهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ» (غافر: ۷)، بیانگر حالتی از خضوع و تنزیه در عبادت و تواضع خاص در موقعیت عرش الهی است (خویی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۳۶). همچنین «ناکسه ابصارهم» (فروداشتگی نگاه)، نمادی از عظمت الهی و حجب‌های عزت میان مراتب ملائک است (شوشتری، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۵۴۳؛ مکارم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۵۹).

بیان قدرت و عظمت فرشتگان در کنار تنزیه خداوند: عبارت «لَا يَتَوَهَّمُونَ رَبَّهُمْ بِالتَّصْوِيرِ وَلَا يُجْرُونَ عَلَيْهِ صِفَاتِ الْمَصْنُوعِينَ وَلَا يَحْدُونَهُ بِالْأَمَّاكِينِ وَلَا يُشِيرُونَ إِلَيْهِ بِالنَّظَائِرِ»، اشاره به تنزیه فرشتگان از ادراکات وهمی و خیالی دارد؛ چرا که قوه وهم ویژه موجودات مادی است و تنها می‌تواند امور محسوس و دارای مکان و اندازه را

درک کند(ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۶۷). این امر با آموزه‌های قرآنی در باب تنزیه الهی کاملاً همسو است: «سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ» (صافات: ۱۵۹)

۴-۵. بخش آفرینش آدم(ع)

متن خطبه: «ثُمَّ جَمَعَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَزْنِ الْأَرْضِ... ثُمَّ نَفَخَ فِيهَا مِنْ رُوحِهِ...»

الف) بینامتنیت واژگانی

متن موجود: «ثُمَّ نَفَخَ فِيهَا مِنْ رُوحِهِ» متن پنهان: «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر: ۲۹)

این تعبیر، عین عبارت قرآنی است، البته روشن است که ذات خداوند منزّه از جسم و روح است و هرگاه چیزی به او اضافه شود مانند «بیت‌الله» یا «شهرالله» نشان‌دهنده شرافت و عظمت بی‌همتای آن چیز است (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۳۰۶).

متن موجود: «فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» متن پنهان: «فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» (حجر: ۳۸-۳۷)

مفسران تأکید دارند که «یوم الوقت المعلوم» غیر از «یوم یبعثون» (روز قیامت) است و خداوند تنها بخشی از درخواست ابلیس را اجابت کرده، نه تمام آن را (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۲۳۴). سنت خداوند بر مهلت دادن به گنهکاران است اما تا روزی که زمان آن نزد خدا مشخص است لذا به نظر مفسران، پایان جهان و برچیده شدن دوران تکلیف است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۴۳). در حدیثی نیز آمده است که منظور زمان قیام حضرت مهدی(ع) است (حویزی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۴).

متن موجود: «وَأَهْبَطُهُ إِلَىٰ دَارِ الْبَلِيَّةِ» متن پنهان: «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا» (بقره: ۳۸)

مفسران بر این باورند که مقصود از «هبوط»، فرود از مکانی بلند نیست، بلکه نزول از مقام و منزلتی رفیع، یعنی خروج از مقام قرب الهی، است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۳۴). در تبیین این انتقال، روایاتی وجود دارد که به مصائب آدم(ع) در «دار البلیه» از جمله فریب خوردن توسط ابلیس و قتل هابیل اشاره می‌کنند (خویی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۳۲)

متن موجود: «جَمَعَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَزَنِ الْأَرْضِ... وَ لَاظْهَهَا بِالْبَلَّةِ حَتَّى لَزَبَتْ» متن پنهان: «وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ» (مؤمنون: ۱۲)؛ «إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّنْ طِينٍ لَّازِبٍ» (صافات: ۱۱)

اشاره به جمع‌آوری خاک از نقاط مختلف زمین (سخت و نرم، شیرین و شور) به‌عنوان ماده اولیه آفرینش آدم (ع)، حکایت از تفاوت مواد اولیه، تفاوت‌های ذاتی و استعدادهای گوناگون در نسل بشر است (مکارم، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۷۱). اگرچه مستقیماً به انواع خاک اشاره ندارد، اما منشأ خاکی انسان را تأیید می‌کند (خویی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۴۱). فرآیند آماده‌سازی این ماده اولیه (آمیختن خاک با آب)، اشاره به کمال استعداد این ماده برای پذیرش صورت انسانی دارد (ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۸۶).

متن موجود: «مُعْجُونًا بِطِينَةِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ وَ الْأَشْبَاهِ الْمُؤْتَلِفَةِ وَ الْأَصْدَادِ الْمُتَعَادِيَةِ...» متن پنهان: «وَ اٰخْتِلَافِ السِّنِّتِكُمْ وَ الْوَانِكُمْ» (روم: ۲۲) «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ تُطْفَةِ أَمْشَاجٍ بُتْلِيَةٍ» (انسان: ۲).

ترکیب وجود انسان از عناصر متضاد و مختلف که هم به جنبه جسمانی (گرمی، سردی، رطوبت، خشکی) و هم به جنبه روانی (غم و شادی) او اشاره دارد، با آیات قرآن کریم مثل ضعف و قدرت، نسیان و علم، و ویژگی‌های متضاد انسان هماهنگ است.

متن موجود: «ثُمَّ أَسْكَنَ سُبْحَانَهُ آدَمَ دَاراً أَرْضَعَدَ فِيهَا عَيْشَتَهُ وَ آمَنَ فِيهَا مَحَلَّتَهُ وَ حَذَرَهُ إِبْلِيسَ وَ عَدَاوَتَهُ»

متن پنهان: «وَ قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (بقره: ۳۵)

این آیه به سکونت آدم در بهشتی با زندگی گوارا و امنیت و هشدار خداوند درباره دشمنی ابلیس اشاره دارد (خویی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۸۹). این تقابل دوگانه امنیت و هشدار، حجت را بر آدم (ع) تمام کرد تا مسیر سعادت و شقاوت را به روشنی تشخیص دهد (ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۹۳).

متن موجود: «ثُمَّ بَسَطَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لَهُ فِي تَوْبَتِهِ وَ لَقَاهُ كَلِمَةً رَّحْمَتِهِ...» متن پنهان: «فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ» (بقره: ۳۷).

امام علی (ع) در این فراز با اشاره به وسعت بخشی در توبه آدم (ع)، به عدم بخل در جود الهی و نیز استعداد انسان برای پذیرش رحمت اشاره می فرماید. القای «كَلِمَةً رَحْمَتِهِ»، تجلی همان الهامات ربانی است که بنده را از مهلکه نجات داده و به حقیقت هدایت می کند (ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۹۸). این فرآیند، با «وَعْدِ الْمَرْدِ إِلَى جَنَّتِهِ» که وعده بازگشت به مقام قرب و بهشت رضوان است تکمیل می گردد (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۰۲)

ب) بینامتنیت ساختاری و محتوایی

مراحل تدریجی خلقت: خطبه، آفرینش آدم (ع) را در مراحل تدریجی بیان می کند: جمع آوری خاک، ترکیب با آب (گل شدن)، شکل گیری، خشک شدن، و در نهایت دمیدن روح. این توالی، کاملاً با روایت های قرآنی همخوانی دارد (سجده: ۹-۷). همچنین دمیدن روح الهی نقطه اوج آفرینش آدم و ویژگی های او معرفی می شود (حجر: ۲۹؛ ص: ۷۲). از مفاهیم خطبه برداشت می شود ظاهراً آفرینش آدم (ع) به شکل مستقل و بدون عبور از مراحل تکاملی موجودات پایین تر، به صورت کنونی انجام گرفته اما آنچه بر محافل امروز غالب است، عمدتاً نظریه «تکامل انواع» است. طرفداران این دیدگاه بر این باورند موجودات زنده در آغاز به شکل موجودات تک سلولی بوده که به تدریج تکامل یافته اند لذا معتقدند انسان، نتیجه تکامل یافته «میمون های انسان نما» است که از انواع پایین تر پدیدار گشته اند. هواداران این فرضیه به پیروان «لامارک»^۲، «داروین»^۳ و «نئوداروینیست ها»^۴ تقسیم شده و هر یک دلایلی برای اثبات نظر خود ارائه کرده اند. در مقابل، طرفداران نظریه ثبوت معتقدند هر یک از انواع جانداران، از آغاز به صورت مستقل به شکل کنونی خود ظاهر شده اند (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ذیل آیات ۲۶ تا ۴۴ سوره حجر).

۱. از مهم ترین نتایج نظریه داروین، تکامل انسان از موجودات دیگر بود که با آموزه های ادیان الهی مبنی بر خلقت مستقیم انسان از سوی خداوند متعال و جایگاه متعالی او در عالم خلقت ناسازگار بود.

۲. Lamarck

۳. Charles Robert Darwin

۴. برای مطالعه بیشتر به داروینیسم و آخرین فرضیه های تکامل مراجعه شود.

معرفی انسان به عنوان موجودی پیچیده و دارای ابعاد مختلف: توصیف انسان به ترکیب «اضداد متعاضیه»، تصویری از یک موجود پیچیده ارائه می‌دهد. انسان موجودی است که از تضادهای (مادی و معنوی، جسمانی و روحانی، خیر و شر بالقوه) تشکیل شده است. این جامعیت، میدان آزمایش و ابتلای او را فراهم می‌آورد و زمینه‌ساز رشد و تعالی یا سقوط او می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۷، ص ۳۲۱). امام علی (ع) در عبارت «إِنْسَانًا ذَا أَذْهَانٍ يُحِيلُهَا وَ فِكْرٍ يَتَصَرَّفُ بِهَا... وَ مَعْرِفَةٍ يَفْرُقُ بِهَا بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ»، انسان را موجودی توصیف می‌کند که به واسطه «عقل‌های جولان‌دهنده» و «اندیشه‌های تصرف‌کننده»، توانایی ادراک و تحلیل امور را دارد (خویی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۴۸). این ظرفیت‌های شناختی زمینه‌ساز شکل‌گیری شناخت حق و باطل می‌گردد (ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۸۸). این توصیف جامع، هم‌سو با آیه شریفه «وَ اللَّهُ أَعْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ» (نحل: ۷۸) است که به برخورداری از ابزارهای شناخت مانند گوش، چشم و دل تأکید می‌ورزد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۴۵۱؛ مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۹۵).

نقش محوری فرمان و نهی الهی: در هر دو متن، فرمان الهی به سجده و نهی الهی از خوردن میوه درخت ممنوعه، نقاط عطف اصلی داستان هستند که پیامدهای آن، مسیر تاریخ بشر را رقم می‌زند. البته در «فَاعْتَرَتْهُ الْحَمِيَّةُ... تَعَزَّزَ بِخَلْقَةِ النَّارِ... فَأَعْطَاهُ اللَّهُ النَّظْرَةَ» به توصیف انگیزه‌های ابلیس و پاسخ خداوند پرداخته می‌شود. این بخش، یک تحلیل علی و معلولی و چرایی رفتار ابلیس و فلسفه مهلت دادن خداوند متعال ارائه می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۲۴۲).

امام علی (ع) در عبارت «فَاعْتَرَتْهُ عَدُوُّهُ نَفَاسَةً عَلَيْهِ بِدَارِ الْمُقَامِ وَ مُرَافَقَةِ الْأَبْرَارِ فَبَاعَ الْيَقِينَ بِشَكِّهِ» و در تحلیل علل فریب خوردن آدم (ع) تأکید می‌کند که ابلیس به دلیل «نَفَاسَةً عَلَيْهِ» (حسادت) بر منزلت او، با وسوسه (فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ؛ اعراف: ۲۰) فریب داد تا از سرای پایدار و همنشینی با نیکان محروم سازد (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۰۰).

تجلی عدل و رحمت الهی: در هر دو متن، پس از گناه، باب توبه و راه بازگشت ارائه می‌شود. این ساختار، به جنبه رحمانیت و غفاریت خداوند اشاره دارد. هم عدل

الهی (مهلت به ابلیس برای اتمام حجت و تکمیل آزمایش) و هم رحمت الهی (پذیرش توبه آدم و تعلیم کلمات رحمت) به وضوح ترسیم شده است.

توالی وقایع: امام (ع) با الهام از ساختار توالی زمانی قرآن، داستان آدم را در یک سیر منسجم روایت می‌کند. مرحله اول: آفرینش، مرحله دوم: سجود فرشتگان، مرحله سوم: فریب خوردن آدم، مرحله چهارم: توبه و هبوط.

| بینامتنیت در ساحت انسان‌شناسی | | | |
|-------------------------------|---|--|---|
| ردیف | خطبه آفرینش | قرآن کریم | تحلیل بینامتنی |
| ۱ | «مِنْ حَزْنِ الْأَرْضِ...» | «مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ» | تأکید بر آفرینش از خاک و گل |
| ۲ | «ثُمَّ نَفَخَ فِيهَا مِنْ رُوحِهِ» | «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» | اثبات جایگاه ویژه انسان در نظام خلقت |
| ۳ | «الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ... وَالْأَصْدَادِ الْمُتَعَادِيَةِ» | «وَاخْتِلَافِ الْأَسْتِكْمِ وَالْأَوَانِكُمْ» | تفاوت انسان با دیگر موجودات مبتنی بر ترکیب اعداد در وجود او |
| ۴ | «وَمَعْرِفَةِ يَفْرُقُ بِهَا بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ» | «وَجَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ» | اعطای ابزار تشخیص حق و باطل |

۵-۵. بخش بعثت پیامبران

متن خطبه: «وَ اصْطَفَى سُبْحَانَهُ مِنْ وَلَدِهِ أَنْبِيَاءَ أَحَدَ عَلَى الْوَحْيِ مِيثَاقَهُمْ...»

الف) بینامتنیت واژگانی

متن موجود: «وَ اصْطَفَى سُبْحَانَهُ مِنْ وَلَدِهِ أَنْبِيَاءَ» متن پنهان: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ» (آل عمران: ۳۳)

فعل «اصطفی» که در قرآن برای انتخاب پیامبران به کار رفته، به معنای اختصاص دادن حالتی خالص از آلودگی‌ها و برتری دادن بر دیگران است (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴۴۰) و این برگزیدگی از طریق وحی، علم، ایمان و عصمت آنان محقق شده است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۰۰).

متن موجود: «أَحَدَ عَلَى الْوَحْيِ مِيثَاقَهُمْ» متن پنهان: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ» (احزاب: ۷)

مفهوم مذکور بر عهد جدی خداوند با پیامبران برای تبلیغ رسالت و پاسداری از وحی تأکید می‌کند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۱۴)

متن موجود: «اتَّخَذُوا الْأَنْدَادَ مَعَهُ» **متن پنهان:** «فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا» (بقره: ۲۲)

واژه «انداد» به معنای بت‌هایی است که مشرکان آنها را می‌پرستیدند (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۴۵۴) همچنین به پیشوایان ستمکار و گمراه اطلاق می‌شود که مردم از آنها اطاعت می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۶۱۱)

متن موجود: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ» **متن پنهان:** «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا» (نحل: ۳۶)

فعل «بعث» که در قرآن برای ارسال پیامبران استفاده شده، در خطبه نیز به کار رفته است. امام (ع) چهار هدف اصلی بعثت انبیا را تبیین می‌فرماید: احیای میثاق فطری توحید، یادآوری نعمت‌های فراموش‌شده الهی، اتمام حجت از طریق تبلیغ تعالیم وحیانی، و آشکارسازی گنجینه‌های پنهان عقل بشری (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۱۵). این اهداف، نشان‌دهنده رویکردی جامع در راستای هدایت انسان و شکوفایی ظرفیت‌های ذاتی او است.

متن موجود: «وَلَمْ يَخْلِ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ كِتَابٍ مُنْزَلٍ أَوْ حُجَّةٍ لَازِمَةٍ أَوْ مَحَجَّةٍ قَائِمَةٍ»

متن پنهان: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)

این گزاره بر استمرار وجود راهنمایان الهی - شامل پیامبران، کتب آسمانی، حجت‌های الزام‌آور مانند امامان معصوم و راه‌های روشن هدایت - در همه اعصار تأکید دارد و مبین فلسفه ربانی برای اتمام حجت بر بشریت است (خویی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۵۹).

متن موجود: «رُسُلٌ لَا تَقْصُرُ بِهِمْ قِلَّةٌ عَدَدِهِمْ وَلَا كَثْرَةُ الْمُكْذِبِينَ لَهُمْ» **متن پنهان:** «وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبْرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا» (انعام: ۳۴)

بسیاری از پیامبران در اقلیت بودند و با تکذیب و مخالفت شدید مواجه شدند اما دست از رسالت خود نکشیدند (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۸). چنین رویکردی،

تبیین کننده نظریه عصمت و عدم جواز تقیه انبیا در انتقال پیام الهی محسوب می شود (خویی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۶۰).

متن موجود: «لَيْسَتَأُدُّوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ» **متن پنهان:** «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰)

امام (ع) مفهوم «فطرت الله» در قرآن را به عنوان «ميثاق فطرت» تفسیر می کند که پیامبران برای بیداری آن مبعوث شده اند. روایات متعددی فطرت را بر شناخت ذاتی خداوند، پذیرش رسالت پیامبر حمل می کنند (خویی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۵۰).

متن موجود: «يَذْكُرُوهُمْ مَنَسِيَّ نِعْمَتِهِ» **متن پنهان:** «اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» (مائده: ۲۰)

این عبارت اشاره به همان نعمت های بی شمار الهی دارد که در قرآن بر آن تأکید شده است.

متن موجود: «وَيُرْوَهُمْ آيَاتِ الْمَقْدِرَةِ» **متن پنهان:** «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ» (فصلت: ۵۳)

معرفی نشانه ها در آسمان، زمین، رزق و روزی، مرگ و میر و حوادث زندگی، روشی قرآنی برای دعوت به توحید و درک قدرت و حکمت الهی است.

متن موجود: «لَمَّا بَدَّلَ أَكْثَرُ خَلْقِهِ عَهْدَ اللَّهِ إِلَيْهِمْ...» **متن پنهان:** «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ» (بقره: ۲۷)

فرستادن پیامبران پیاپی برای یادآوری پیمان فطرت، نعمت های فراموش شده، اتمام حجت و برانگیختن عقول مورد توجه متون است.

ب) بینامتنیت ساختاری و محتوایی

ساختار علت و معلولی (ضرورت نبوت): خطبه با بیان انحراف انسان ها از عهد الهی و گرفتار شدن در آلودگی ها (لَمَّا بَدَّلَ أَكْثَرُ خَلْقِهِ عَهْدَ اللَّهِ)، علت بعثت انبیاء را مطرح می کند (فَبَعَثَ فِيهِمْ رُسُلَهُ). هم قرآن و هم نهج البلاغه بر این نکته تأکید دارند که بعثت انبیاء یک ضرورت عقلی و لطف الهی است و انسان به دلیل فراموشی، جهل و تأثیر وسوسه های شیطانی، نیاز به راهنما و یادآور دارد.

اهداف چندگانه بعثت: خطبه (لَيْسَتَا دُوهُمُ... وَوَيْدَكُرُوهُمُ... وَيَحْتَجُّوْا عَلَيْهِمْ... وَبِئْسَ رِوَا لَهُمْ... وَبِئْسَ رِوَاهُمْ) به صورت فهرستی از اهداف بعثت (یادآوری فطرت، نعمت‌ها، اتمام حجت، برانگیختن عقول و نشان دادن آیات) اشاره می‌کند. تأکید بر «میثاق وحی» و «امانت تبلیغ رسالت»، نشان‌دهنده عظمت جایگاه نبوت و سنگینی مسئولیت پیامبران است که در قرآن نیز مورد تأکید است.

استدلال بر عدم تعطیلی هدایت: این بخش با استدلال بر اینکه خداوند هرگز انسان‌ها را بدون راهنما رها نکرده، یک اصل کلامی مهم را مطرح می‌کند. این اصل، ریشه در آیات قرآنی دارد که بر لزوم ارسال رسولان برای اتمام حجت تأکید دارند. عبارت «مِنْ سَابِقِ سُمِّيَ لَهُ مَنْ بَعْدَهُ أَوْ غَابِرٍ عَرَفَهُ مَنْ قَبْلَهُ» همانند آیه «مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ» (صف: ۶) به تبشیر و تصدیق پیامبران اشاره دارد که از ویژگی‌های رسالت الهی است.

۶-۵. بخش بعثت پیامبر اسلام (ص)

متن خطبه: «عَلَىٰ ذَٰلِكَ نَسَلَتِ الْقُرُونُ... بَعَثَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ (ص)...»

الف) بینامتنیت واژگانی

متن موجود: «ثُمَّ اخْتَارَ سُبْحَانَهُ لِمُحَمَّدٍ (ص) لِقَاءَهُ» **متن پنهان:** «مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ (عنکبوت: ۵)

مرگ در قرآن به معنای لقاء الله است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۶، ص ۱۰۱) و برای اولیاء الهی افتخار و پاداشی عظیم محسوب می‌شود (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۱۱).

متن موجود: «وَ رَضِيَ لَهُ مَا عِنْدَهُ» **متن پنهان:** «وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى» (قصص: ۶۰)

قرآن بهشت و پاداش الهی را «ما عند الله» می‌نامد که برای مؤمنان بهتر و ماندگارتر است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۹۶). این نعمت‌های بهشتی، فراتر از درک و توصیف بشر و نشان‌دهنده فضل بی‌کران خداوند متعال است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۲۷۴)

متن موجود: «وَ رَغِبَ بِهِ عَنْ مَقَامِ الْبُلُوْی» **متن پنهان:** «وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ» (بقره: ۱۵۵)

دنیا در قرآن به عنوان سرای امتحان و جایگاه بلا و رنج معرفی شده است. این مفهوم مبتنی بر یک سنت قطعی و همگانی الهی است که با ابزار مختلف از قبیل ترس و گرسنگی انجام می‌شود (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۲۵؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۳۸).

متن موجود: «بَعَثَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ (ص)» **متن پنهان:** «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» (فتح: ۲۹) و «إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ» (آل عمران: ۱۶۴)
این عبارت، تکرار صریح آیات قرآنی درباره بعثت پیامبر به سوی مردم زمان خویشاست (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۵).

متن موجود: «لِإِنِّجَازِ عِدَّتِهِ وَ تَمَامِ نُبُوتِهِ» **متن پنهان:** «وَ لَكِنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ» (احزاب: ۴۰)

امام (ع) مفهوم «خاتمیت» در قرآن را تفسیر و آن را «إتمام النبوة» نامیده است. از نظر لغوی، «خاتم» به معنای وسیله پایان بخشیدن است، همچون مهری که بر نامه‌ها می‌زنند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۴۵). علت خاتمیت را می‌توان در دو محور اصلی تبیین کرد: ارائه برنامه جامع برای تمام نیازهای بشر و نیز بلوغ فکری انسان که با عمل به تعالیم دینی، قادر به ادامه مسیر تکاملی خود است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۳۶۳).

متن موجود: «فَهَدَاهُمْ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ أَنْقَذَهُمْ بِمَكَانِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ» **متن پنهان:** «إِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ» (شوری: ۵۲) و «كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (آل عمران: ۱۶۴)

این ویژگی، بیانی دقیق از نقش پیامبر اکرم (ص) است که مردم را از گمراهی و نادانی به هدایت نجات داد (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۵۷).

ب) بینامتنیت ساختاری و محتوایی

تدبیر الهی در جریان نبوت (ارتباط طولی رسالت‌ها): امام (ع) در این بخش با الهام از ساختار قرآنی، جایگاه پیامبر اسلام (ص) را در سلسله نبوت تبیین می‌کند. هم بعثت و هم رحلت پیامبران، جزئی از یک طرح الهی برای هدایت بشریت است و بعثت پیامبر رحمت (ص) در زمانی خاص برای اتمام حجت و اکمال دین صورت

گرفته است. عبارت «مَشْهُورَةً سَمَائُهُ كَرِيمًا مِيلَادُهُ» و «يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ» (اعراف: ۱۵۷)، اشاره به بشارات انبیاء پیشین و نیز نشانه‌های الهی همراه میلاد پیامبر رحمت (ص) است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۳۸۰) چنانکه یهود و نصاری نیز صفات پیامبر را در کتب خود یافته‌اند (جعفری، ۱۳۹۸، ج ۱۱، ص ۳۷۳). همه اینها گواه عظمت رسالت ایشان است.

استمرار هدایت پس از رحلت: برخی شارحان در تبیین «قبضه إلیه» بیان می‌کنند قبض روح شریف پیامبر (ص) و بازگشت ایشان به مقام قرب ربانی است (خویی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۷۸). هدف بعثت در هر دو متن، هدایت از گمراهی و جهالت و تکمیل دین است. این سنت الهی است که با رحلت پیامبر، بسته نمی‌شود (وَ خَلَّفَ فِيكُمْ مَا خَلَّفَتِ الْأَنْبِيَاءُ فِي أُمَّهَاتِهِمْ). همچنین این بخش بر مسئولیت امت در حفظ و تبعیت از میراث پیامبر (ص) تأکید می‌کند. مفهوم «اولوا الامر» و لزوم تبعیت از آنان و نیز حدیث متواتر ثقلین، دلیلی محکم بر تداوم هدایت از مجرای اهل بیت (ع) است (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۱۷).

وضعیت عصر جاهلیت: هر دو متن، وضعیت اسفبار اعتقادی و اخلاقی قبل از بعثت را به تصویر می‌کشند (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۹۵) تا ضرورت و اهمیت رسالت پیامبر (ص) را برجسته سازند: «مِلَّةٌ مُتَّفَرِّقَةٌ» و «أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره: ۲۱۳). توصیف وضعیت جاهلیت قبل از اسلام کاملاً با آیات قرآنی مطابقت دارد و شامل تفرقه، اختلاف، شرک و پرستش غیر خداست (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۴۱؛ مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۱۰۸).

| بینامتنیت در ساحت پیامبرشناسی | | | |
|-------------------------------|---|---|---|
| ردیف | خطبه آفرینش | قرآن کریم | تحلیل بینامتنی |
| ۱ | «وَاصْطَلَفَى سُبْحَانَهُ مِنْ وَٰلِدِهِ أَنْبِيَاءَ» | «إِنَّ اللَّهَ اصْطَلَفَى آدَمَ» | تأکید بر گزینش ویژه انبیاء بر اساس علم و عصمت در طول تاریخ |
| ۲ | «أَخَذَ عَلَى الْوَحْيِ مِيثَاقَهُمْ» | «أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ» | عهد و پیمان سنگین الهی با پیامبران برای ابلاغ بی‌کم و کاست رسالت در مسیر اتمام حجت بر بشریت |

| | | | |
|--|---|--|---|
| تبيين اهداف بعثت پيامبران با تأکید بر احیای عهد درونی و الهی انسان با پروردگار | «فِطْرَتَ اللَّهِ» | «لَيْسَتَاذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ...» | ۳ |
| خاتمیت، نماد تحقق وعده الهی و «کمال دوره نبوت» | «وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ» | «لَا نَجَازَ عِدَّتِي وَ تَمَامَ نُبُوتِي» | ۴ |

۷-۵. قرآن و احکام شرعی

متن خطبه: «كِتَابَ رَبِّكُمْ فِيكُمْ مُبَيَّنًّا حَلَالَهُ وَ حَرَامَهُ وَ فَرَائِضَهُ وَ فَضَائِلَهُ...»

الف) بینامتنیت واژگانی

متن موجود: «مُبَيَّنًّا حَلَالَهُ وَ حَرَامَهُ» متن پنهان: «وَيُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ» (اعراف: ۱۵۷)

الفاظ «حلال» و «حرام» که در قرآن به صورت فعل آمده، در خطبه به صورت اسم درآمده و بر جامعیت قرآن (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۵۶۹) به عنوان یک کتاب قانون تأکید می کند.

متن موجود: «نَاسِخَهُ وَ مَنْسُوخَهُ» متن پنهان: «مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا» (بقره: ۱۰۶)

امام علی (ع) مفهوم «نسخ» را به عنوان یکی از ویژگی های ساختاری قرآن معرفی می کند (خویی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۸۰). بر این اساس، نسخ به معنای نشان دادن حکمت و محدودیت زمانی آن است، نه تغییر در اراده الهی (مغنیه، ۱۹۷۹، ج ۱، ص ۶۵)

متن موجود: «مُحْكَمَهُ وَ مُتَشَابِهَهُ» متن پنهان: «مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ» (آل عمران: ۷)

امام بر این نکته تأکید می ورزند که خود قرآن، ساختار درونی اش را شامل آیات محکم و متشابه معرفی کرده است. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۱۹)

متن موجود: «خَاصَّةً وَ عَامَّةً» متن پنهان: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» (عام) در مقابل «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» (خاص)

بسیاری از آیات عام هستند (مانند اَقِيمُوا الصَّلَاةَ) و برخی خاص (مانند وَ لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَ اَنْتُمْ سُكَارَى). بنا به نظر مفسران، خطاب «یا ایها الذین آمنوا» منحصرأ در آیات مدنی و ویژه مؤمنان است، در حالی که «یا ایها الناس»، عمومی تر و مکی است که شامل همه انسان‌ها می‌شود (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۹۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۹، ص ۱۵۹)

ب) بینامتنیت ساختاری و محتوایی

جامعیت قرآن: این بخش به طور ساختاری جامعیت قرآن را در بردارنده انواع احکام و معارف (حلال و حرام، واجب و مستحب، ناسخ و منسوخ و...) معرفی می‌کند (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴۴۲). ساختار متن تأکید دارد که قرآن خود «مبیین» و «مفسر» است و این ویژگی در جنبه‌های مختلف از جمله بیان احکام فقهی قابل مشاهده است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۶۴). امام (ع) از یک ساختار نحوی مبتنی بر تقابل («بَيِّنٌ... وَ بَيِّنٌ») استفاده می‌کنند تا به شکلی منسجم، زوج‌های متقابل و متضاد در احکام قرآن (مانند واجب/موسع، ثابت/زائل، کبیره/صغیره) را نشان دهند. این ساختار، نظم درونی و انسجام منطقی شریعت را که از قرآن نشئت گرفته، عینیت می‌بخشد.

مبتنی بر عبارت «عَزَائِمُهُ وَ رُحَصُهُ»، قرآن در برخی موارد به دلیل عسر و حرج، تخفیفاتی را قرار داده است (رخصت) که در مقابل احکام اصلی و بدون تخفیف (عزائم) هستند (قمی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۷۴). آیه «كُنِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» و جوب روزه را به عنوان تکلیف شرعی ثابت می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۴۲) از سویی، آیه «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ...» (بقره: ۱۷۳) نمونه‌ای از رخصت شرعی است که در شرایط اضطرار، استفاده از محرّمات را مشروط به عدم تجاوز از حد ضرورت می‌داند. همچنین مبتنی بر عبارت «فَرَائِضُهُ وَ فَضَائِلُهُ»، «فرائض» ناظر بر واجبات قطعی الاجرا مانند نماز موقوت (نساء: ۱۰۳) است، در حالی که «فضائل» شامل اعمال مستحبی می‌شود (خویی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۷۹). انجام فرائض، اساس دین است و فضائل موجب تکمیل و تعالی آن می‌شود (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۲۲۷).

تعامل قرآن و سنت: مبتنی بر «بَيِّنٌ مُّثَبَّتٍ فِي الْكِتَابِ فَرَضُهُ وَ مَعْلُومٍ فِي السُّنَّةِ نَسْخُهُ» و «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ...» (حشر: ۷)، بر تعامل و وابستگی فهم احکام به

قرآن و سنت (مانند نسخ قرآن در سنت) اشاره شده است. سنت پیامبر (ص) به عنوان مبین و مفسر قرآن، می تواند ناسخ برخی احکام قرآنی باشد (طبرسی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۳۰۵؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۴).

| بینامتنیت در ساحت قرآن شناسی | | | |
|------------------------------|---|---|---|
| ردیف | خطبه آفرینش | قرآن کریم | تحلیل بینامتنی |
| ۱ | «مَبِينًا حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ» | «وَيُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ...» | بیانگر نقش تبیینی قرآن در تعیین حدود شرعی و مرجع تشخیص حلال و حرام |
| ۲ | «نَاسِخُهُ وَمَنْسُوخُهُ» | «مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ» | نشان دهنده آگاهی عمیق از تحولات تشریح و نقش قرآن در تکامل تدریجی احکام |
| ۳ | «مُحَكَّمَهُ وَمُنْتَسِبِيهِ» | «مِنْهُ آيَاتٌ مُحَكَّمَاتٌ...» | لزوم رجوع به محکمات برای فهم متشابهات و جلوگیری از تفسیرهای انحرافی |
| ۴ | «خَاصَّةً وَعَامَّةً» | خطاب «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» | معرفی روش قرآن در مخاطب شناسی و تناسب احکام با شرایط مختلف |
| ۵ | «فَرَائِضُهُ وَفَضَائِلُهُ» | نماز واجب و مستحب | جامعیت قرآن در تشریح احکام ضروری و تکمیلی |
| ۶ | «عَزَائِمُهُ وَرُخْصَتُهُ» | «فَمَنْ اضْطُرَّ...» | بازتاب انعطاف پذیری شریعت و توجه قرآن به شرایط ویژه بندگان |
| ۷ | «...مَعْلُومٍ فِي السُّنَّةِ نَسْخُهُ» | «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ...» | نقش سنت در تبیین، تفصیل و یا نسخ برخی احکام مبتنی بر پویایی نظام تشریح اسلامی |

۸-۵. فریضه حج

متن خطبه: «وَوَفَّرَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلنَّاسِ...»

الف) بینامتنیت واژگانی

متن موجود: «فَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ» متن پنهان: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ» (آل عمران: ۹۷)

فعل «فَرَضَ»، هم معنا و هم سو با «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ» است که بر وجوب تکلیف الهی دلالت می‌کنند. (ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۳۲). توصیف بیت الله به حرام اشاره به حرمت انجام هرگونه عمل ناشایست در این مکان مقدس دارد (خویی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۲۴۶).

متن موجود: «جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلنَّامِ» متن پنهان: «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا» (بقره: ۱۴۴)

این اقتباس قرآنی، با گسترش دایره شمول مفهوم «قبله» از جهت نماز به نماد وحدت امت اسلامی، صورت بندی تازه می‌یابد (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۵۴) که به عنوان کانونی برای تجمع و آزمایش بندگان خدا در حج معنا می‌شود (ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۳۲).

متن موجود: «عَلَامَةٌ لِّتَوَاضُعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ وَ اِدْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ» متن پنهان: «مَنْ يُعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲)

حج به عنوان نماد بارز «تعظیم شعائر»، فقط تکلیف عبادی نیست بلکه معیار سنجش میزان خضوع وجودی و نشانه ممیزه نفوسی است که به کمال اخلاص و انقیاد در برابر پروردگار رسیده‌اند (خویی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۲۴۷). «تواضع در برابر عظمت خدا» و «ادعان در برابر عزت او»، همان «تقوای قلوب» است (شوشتری، ۱۴۱۸، ج ۱۳، ص ۱۱۳).

متن موجود: «يُحْرَزُونَ الْأُزْبَاحَ فِي مَتَجَرِّ عِبَادَتِهِ» متن پنهان: «هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ» (صف: ۱۰)

مفهوم «مَتَجَرِّ عِبَادَتِهِ» با تلفیق مفاهیم اقتصادی و عرفانی، عبادت را به تجارتي تشبیه می‌کند که «نفس» نماد تاجر، «عقل» نماد سرمایه، و «ثواب الهی» سود آن است (ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۳۴).

متن موجود: «وَتَشَبَّهُوا بِمَلَائِكَتِهِ الْمُطِيفِينَ بِعَرْشِهِ» متن پنهان: «وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ» (زمر: ۷۵)

طواف کعبه تشبیهی از طواف ملائکه گرد عرش الهی است (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۵۸) لذا شباهتی صوری نیست بلکه نشان از آن دارد که می‌توان به مقام «طواف بالعرش» که مقامی فراتر از کعبه زمینی است، نائل گشت (ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۳۴)

ب) بینامتنیت ساختاری و محتوایی

فلسفه عبادات: ساختار کلام امام علی (ع) در این بخش، فلسفه عبادات را از یک واجب صرف فراتر می‌برد و ابعاد تربیتی، روحی، اجتماعی و سیاسی آن را تشریح می‌کند که با روح قرآن در بیان اهداف عبادات (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۹۱ و ج ۱۴، ص ۷۸) همسو است.

حج، اجتماع توحید و بندگی: خطبه با عبارت «وَقَفُّوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ» همچون آیه شریفه «إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا» (بقره: ۱۲۷) تأکید می‌کند حج یادآور اعمال و جایگاه پیامبرانی چون ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) است که بانی کعبه بوده‌اند (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۵۳) و نشان دهنده پیوند ناگسستنی حج از تجدید بنا تاکنون بر روحیه تسلیم و عبادت در این جایگاه دارد. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۸۲)

همچنین امام با تغییر در ساختار آیه «بَيْكَةً مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۹۶)، مفهوم «هُدًى لِّلْعَالَمِينَ» را در قالب «عَلَمًا لِّلْإِسْلَامِ» بازآفرینی کرده است. حج در ساختار قرآنی نمادی از وحدت و اجتماع مسلمین است (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۷۷) جایی که همه چیز جز خدا فراموش می‌شود. این بخش، حج را یک موقعیت عظیم تربیتی نشان می‌دهد که انسان را از درون متحول می‌کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۲۸۶) همچنین حس وحدت و تعلق به یک امت بزرگ اسلامی را القا می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۵۲۲).

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش گویای آن است که خطبه آفرینش، به‌عنوان متنی بنیادین در میراث کلامی امام علی (ع)، پیوندی چندسطحی با قرآن کریم دارد. این ارتباط تنها در حد تأثیرپذیری لفظی یا مضمونی محدود نمی‌ماند، بلکه در قالب تعاملی پویا و نظام‌مند

بینامتنی تجلی یافته است. در **سطح واژگانی**، کاربرد هدفمند عبارات و اصطلاحات قرآنی، علاوه بر بیان آگاهی عمیق گوینده از متن کتاب الهی، نشان دهنده توانایی شگرف در بازتولید مفاهیم در قالبی بدیع است. در **سطح ساختاری**، می‌توان هم تقلید آگاهانه از الگوهای بیانی قرآن (مانند آغاز با حمد، توالی منطقی در تبیین توحید، و سیر روایی داستان آفرینش) و هم بازآفرینی و دگرگونی این ساختارها را مشاهده کرد که خود حاکی از تسلط کامل بر اسلوب قرآن و توانایی خلق ساختاری منسجم و اثرگذار است. در **بعد محتوایی** نیز نشان می‌دهد مفاهیم کلیدی قرآنی در حوزه خدانشناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و نبوت، بسط و تلفیق هنرمندانه‌ای را تجربه کرده‌اند.

از منظر **روش‌شناختی**، کاربرد نظریه بینامتنیت ژنت در این پژوهش، کارآمدی آن را به عنوان ابزاری نظام‌مند برای تحلیل روابط پیچیده و چندلایه میان متون دینی، به‌ویژه در حوزه مطالعات قرآنی و حدیثی، به اثبات می‌رساند. این رویکرد امکان کشف لایه‌های پنهان ارتباط، چگونگی اثرپذیری و نیز فرآیند بازآفرینی متون را فراهم می‌سازد. در نهایت، یافته‌های این تحقیق بر این نکته تأکید دارد که کلام امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، به‌ویژه در خطبه آفرینش، در تعاملی عمیق با قرآن قرار دارد و فهم دقیق آن مستلزم درک شبکه درهم‌تنیده ارجاعات، اقتباس‌ها و بازخوانی‌هاست. این مطالعه گامی در جهت گشودن افق‌های جدید در پژوهش‌های میان‌متنی در حوزه معارف اسلامی محسوب می‌شود.

منابع

- قرآن کریم
 - نهج البلاغه
۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج‌البلاغه. قم: مکتب آیه الله مرعشی نجفی.
 ۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
 ۳. ابن‌عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). التحرير و التنوير من التفسیر. بیروت: مؤسسة التاريخ العربي.
 ۴. ابن‌میثم، میثم بن علی (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. تهران: دفتر نشرالکتاب.

۵. احمدیان، حمید(۱۳۹۱ش). تحلیل علمی و معناشناختی ویژگی کوه‌ها در قرآن. تحقیقات علوم قرآن و حدیث. ۹(۲). ۱-۲۲.
۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان(۱۳۸۹ش). البرهان. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور.
۷. جعفری، یعقوب(۱۳۹۸ش). تفسیر کوثر. قم: هجرت.
۸. جیگاره، مینا(۱۳۹۶ش). روابط بینامتنیّت حکمت‌های نهج البلاغه با آیات قرآن. سفینه، ۱۴(۵۶).
۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه(۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
۱۰. خوبی، حبیب‌الله بن محمد(۱۴۰۰ق). منهاج البراعة. تهران: مکتبه الاسلامیه.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی(۱۳۸۷ش). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۲. شوشتری، محمدتقی(۱۴۱۸ق). بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغه. تهران: امیرکبیر.
۱۳. طباطبایی، محسن(۱۳۹۴ش). تلمیحات قرآنی در خطبه اول نهج البلاغه. پژوهشنامه معارف قرآنی، ۶(۲۳).
۱۴. طباطبایی، محمد حسین(۱۳۹۳ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین(۱۳۷۸ش). تفسیر المیزان. مترجم: محمد باقر موسوی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن(۱۳۵۰ش). ترجمه تفسیر مجمع البیان. تهران: فراهانی.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن(۱۴۰۸ق). مجمع البیان. بیروت: دار المعرفه.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن(۱۴۱۳ق). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۹. عباس‌زاده، حمید. (۱۳۸۹ش). اقتباس‌های قرآنی در نهج البلاغه. مطالعات تفسیری. ۱۱(۱). ۶۷-۸۴.
۲۰. علایی رحمانی، فاطمه و فهیمه غلامی‌نژاد. (۱۳۹۵ش). بررسی پدیدار اخلاقی توبه و استغفار در نهج البلاغه و چهل حدیث امام خمینی با رویکرد بینامتنی. پژوهش‌های نهج البلاغه. ۱۵(۲).
۲۱. عیاشی، محمد بن مسعود(۱۳۸۰ق). تفسیر عیاشی. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۲۲. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ش). تفسیر العیاشی. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۲۳. فخر رازی، محمد بن عمر(۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی(۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. تهران: مکتبه الصدر.

۲۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۸ق). *الأصفی فی تفسیر القرآن*. قم: مکتب الإعلام الإسلامي.
۲۶. قرائتی، محسن (۱۳۸۸ش). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۷. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
۲۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۸۸ش). *تفسیر قمی*. قم: بنی الزهراء.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۱. مسبوق، سید مهدی (۱۳۹۲ش). *روابط بینابینی قرآن با خطبه‌های نهج البلاغه*. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۰(۲): ۲۰۵-۲۲۴.
۳۲. مصطفوی، جواد. (۱۳۷۴ش). *رابطه نهج البلاغه با قرآن*. تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۳۳. مغنیه، محمد جواد (۱۹۷۹م). *في ظلال نهج البلاغة*. بیروت: دار العلم.
۳۴. مکارم، ناصر (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۵. مکارم، ناصر (۱۳۷۵ش). *پیام امیرالمؤمنین (ع)*. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۶. نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۰ش). *بینامتنیت: از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم*. تهران: سخن.
۳۷. نفیسی، شادی و حسین افسردیر (۱۳۹۷ش). *کارکرد تفسیری بینامتنیت نهج البلاغه با قرآن*. پژوهشنامه نهج البلاغه، ۶(۲۳).

38. Genette, Gerard. (1997). *Palimpsests: Literature in the second degree*. Tranclate by channa Newman and Claude diubinsky, lincoln/london: university of Nebraska press.

۳۹. نرم افزار دانشنامه علوی (نسخه ۳)، مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.
۴۰. نرم افزار جامع التفاسیر (نسخه ۳)، مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.

References

- The Holy Quran
 - Nahj al-Balagha
1. Abbaszadeh, Hamid (1389 SH). "Iqtibas-ha-yi Qur'ani dar Nahj al-Balaghah" [Quranic Borrowings in Nahj al-Balaghah]. *Mutali'at-i Tafsiri*, 1(1), 67–84 .
 2. Ahmadian, Hamid (1391 SH). "Tahlil-i 'Ilmi wa Ma'na Shinakhti-yi Vizhigiha-yi Kuh-ha dar Quran" [Scientific and Semantic Analysis of the Characteristics of Mountains in the Quran]. *Pazhuheshhay-i 'Ulum-i Quran wa Hadith*. 9(2), 1–22 .

3. Ala'i Rahmani, Fatimah & Fahimeh Gholaminejad (1395 SH). "Barrasi-yi Padidar-i Akhlaqi-yi Tawbah wa Istighfar dar Nahj al-Balaghah wa Chihil Hadith-i Imam Khomeini ba Ruykard-i Binamatni" [A Phenomenological Study of the Ethical Concept of Repentance and Seeking Forgiveness in Nahj al-Balaghah and Imam Khomeini's Forty Hadith with an Intertextual Approach]. Pazhuheshhay-i Nahj al-Balaghah, 15 .(۲)
4. Ayyashi, Muhammad ibn Mas'ud (1380 AH). Tafsir al-'Ayyashi. Tehran: Maktabat al-'Ilmiyyah al-Islamiyyah .
5. Ayyashi, Muhammad ibn Mas'ud (1380 SH). Tafsir al-'Ayyashi. Tehran: Maktabat al-'Ilmiyyah al-Islamiyyah .
6. Bahrani, Hashim ibn Sulayman (1389 SH). Al-Burhan. Tehran: Nahad-i Kitabkhanaha-yi 'Umumi-yi Sarasar-i Keshvar .
7. Fakhr al-Razi, Muhammad ibn 'Umar (1420 AH). Al-Tafsir al-Kabir. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi .
8. Fayd Kashani, Muhammad ibn Shah Murtaza (1415 AH). Tafsir al-Safi. Tehran: Maktabat al-Sadr .
9. Fayd Kashani, Muhammad ibn Shah Murtaza (1418 AH). Al-Asfa fi Tafsir al-Quran. Qom: Maktab al-A'lam al-Islami .
10. Genette, Gérard (1997). Palimpsests: Literature in the Second Degree. Translated by Channa Newman and Claude Doubinsky. Lincoln/London: University of Nebraska Press .
11. Huwayzi, 'Abd 'Ali ibn Jum'ah (1415 AH). Tafsir Nur al-Thaqalayn. Qom: Isma'iliyan .
12. Ibn 'Ashur, Muhammad Tahir (1420 AH). Al-Tahrir wa al-Tanwir min al-Tafsir. Beirut: Mu'assasat al-Tarikh al-'Arabi .
13. Ibn Abi al-Hadid, 'Abd al-Hamid ibn Hibat Allah (1404 AH). Sharh Nahj al-Balaghah. Qom: Maktab Ayat Allah Mar'ashi Najafi.
14. Ibn Faris, Ahmad (1404 AH). Mu'jam Maqayis al-Lughah. Qom: Maktab al-A'lam al-Islami .
15. Ibn Maytham, Maytham ibn 'Ali (1404 AH). Sharh Nahj al-Balaghah. Tehran: Daftar Nashr al-Kitab .
16. Ja'fari, Ya'qub (1398 SH). Tafsir-i Kawthar. Qom: Hijrat .
17. Jigareh, Mina (1396 SH). "Ravabat-i Binamatnatiyyat-i Hikami Nahj al-Balaghah ba Ayat-i Quran" [Intertextual Relations

- Between the Wisdoms of Nahj al-Balaghah and Quranic Verses]. Safinah, 14 .(۵۶)
18. Khu'i, Habib Allah ibn Muhammad (1400 AH). Minhāj al-Barā'ah. Tehran: Maktabat al-Islamiyyah .
 19. Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub (1407 AH). Al-Kafi. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah .
 20. Majlisi, Muhammad Baqir (1403 AH). Bihar al-Anwar. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi .
 21. Makarim, Nasir (1374 SH). Tafsir-i Nimunah. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah .
 22. Makarim, Nasir (1375 SH). Payam-i Amir al-Mu'minin (AS). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah .
 23. Masbuq, Sayyid Mahdi (1392 SH). "Ravabat-i Binabini-yi Quran ba Khutbah-ha-yi Nahj al-Balaghah" [Interrelations Between the Quran and the Sermons of Nahj al-Balaghah]. Pazhuheshhay-i 'Ulum-i Quran wa Hadith, 10(2), 205–224 .
 24. Mughniyah, Muhammad Jawad (1979 CE). Fi Zilal Nahj al-Balaghah. Beirut: Dar al-'Ilm .
 25. Mustafawi, Jawad (1374 SH). Rabitah-yi Nahj al-Balaghah ba Quran [The Relationship Between Nahj al-Balaghah and the Quran]. Tehran: Bunyad-i Nahj al-Balaghah .
 26. Nafisi, Shadi & Husayn Afsardir (1397 SH). "Karkard-i Tafsiri-yi Binamatniyyat-i Nahj al-Balaghah ba Quran" [The Exegetical Function of Intertextuality Between Nahj al-Balaghah and the Quran]. Pazhuheshnamah-yi Nahj al-Balaghah, 6 .(۲۳)
 27. Namvar Motlaq, Bahman (1390 SH). Binamatniyyat: az Sakhtar-gara'i ta Pasamudirism [Intertextuality: From Structuralism to Postmodernism]. Tehran: Sukhan .
 28. Qara'ati, Muhsin (1388 SH). Tafsir-i Nur. Tehran: Markaz-i Farhangi-yi Darsha-yi az Quran .
 29. Qummi, 'Ali ibn Ibrahim (1388 SH). Tafsir al-Qummi. Qom: Bani al-Zahra .
 30. Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad (1364 SH). Al-Jami' li-Ahkam al-Quran. Tehran: Nasir Khosrow .
 31. Rezaei Esfahani, Muhammad Ali (1387 SH). Tafsir-i Quran-i Mehr. Qom: Pazhuheshhay-i Tafsir wa 'Ulum-i Quran .

32. Shushtari, Muhammad Taqi (1418 AH). Bahāj al-Şibāghah fi Sharḥ Nahj al-Balāghah. Tehran: Amir Kabir .
33. Software: Danishnamah-yi ‘Alawi (Version 3). Noor Computer Research Center .
34. Software: Jam‘ al-Tafasir (Version 3). Noor Computer Research Center.
35. Tabarsi, Fadl ibn Hasan (1350 SH). Tarjumah-yi Tafsir Majma‘ al-Bayan. Tehran: Farahani .
36. Tabarsi, Fadl ibn Hasan (1408 AH). Majma‘ al-Bayan. Beirut: Dar al-Ma‘rifah .
37. Tabataba’i, Muhammad Husayn (1378 SH). Tafsir al-Mizan. Translated by Muhammad Baqir Musawi. Qom: Jami‘ah-yi Mudarrisin-i Hawzah-yi ‘Ilmiyyah-i Qom .
38. Tabataba’i, Muhammad Husayn (1393 AH). Al-Mizan fi Tafsir al-Quran. Beirut: Mu’assasat al-A‘lami lil-Matbu‘at .
39. Tabataba’i, Muhsin (1394 SH). “Talmihat-i Qur’ani dar Khutbah-i Awwal-i Nahj al-Balaghah” [Quranic Allusions in the First Sermon of Nahj al-Balaghah]. Pazhuheshnamah-yi Ma‘arif-i Qur’ani, 6 .(۲۳)
40. Tusi, Muhammad ibn Hasan (1413 AH). Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran. Beirut: Dar Ihya’ al-Turath al-‘Arabi .